Archive of SID

ماهنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی[1]
سال سیزدهم - شماره ششم- شهریور ۱۳۹۹-شماره پیاپی ۵۲

# سبک شناسی بحرالمعارف شهاب الدین علی دانیالی فسوی جهرمی و معرفی نسخ خطی آن

(ص ۶۴-۴۱)

**بیتا قاسمی[2]، سید مهدی خیراندیش[3](نویسنده مسئول)، محمدهادی خالق زاده[4]**

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: فروردین ۱۳۹۹

**چکیده**

مثنوی بحرالمعارف، دومین اثر از شهاب الدین علی دانیالی فسوی جهرمی است که دو نسخهٔ خطی از این مثنوی به شماره ۹۳۷۱ در کتابخانهٔ مجلس موجود میباشد. نسخه اول و نسخه دوم، که به روش مقابله تصحیح شده است. درونمایه و محتوای این منظومه، در عرفان و اخلاق است. در پژوهش حاضر که کتابخانه ای و بر اساس روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر متن نسخهٔ مثنوی بحرالمعارف صورت گرفته، سعی بر آن است تا نسخهٔ خطی را مورد بررسی قرار داده و منابع شهاب الدین علی دانیالی فسوی جهرمی برای سرودن این اثر و همچنین بررسی فضای فرهنگی معاصر با دورهٔ نویسنده شناسایی شود و ویژگیهای سبکی آن نیز مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. نویسنده در این مقاله به دنبال جواب این پرسش است که بارزترین ویژگیهای سبکی مثنوی بحرالمعارف چیست؟ حاصل پژوهش نشان میدهد که زبان ساده و روان، ترکیب سازیهای مضمون آفرین، تسکین متحرک، تخفیف واژه، به کار بردن واژه های عربی، تشبیهات محسوس، استفاده مناسب و متناسب از انواع صورخیال تا جایی که لفظ و معنی در مقابل هم قرار گیرند و سبب پیچیدگی کلام نشود، از جمله خصوصیات سبکی این مثنوی است.

**واژه های کلیدی**: شهاب الدین علی دانیالی فسوی جهرمی، مثنوی بحرالمعارف، تحلیل سبکی و محتوایی

---

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
(bitaghasemi@iauyasooj.ac.ir)

۳- دانشیار دانشگاه پیام نور ، ایران (m.kheirandish@farspnu.ac.ir)

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران
(asatirpars@yahoo.com)

www.SID.ir

Archive of SID



# Stylistics of Bahr.ol. maāref masnavi of Shahabuddin Ali Daniali Fasavi Jahromi and Introduction of Manuscript

Bita Qasemi[1], Seyed Mehdi Kheirandish[2](Corresponding Author),
Mohammad Hadi Khaleqzadeh[3]

**Abstract**

Bahr.ol.maāref masnavi. The seconde work of Shahab ol din Ali Daniali fasavi jahromi is a voluminous poetical work which has over 19000 verse and has composed on fāēlaton faelaton faelon rhytm. There are 2 hand written versions of this masnavi in library of parliameut assembly with number 9371 first and second versions have been corrected in contrastive approach .theme and content of this masnavi is mystic and morality. present research is a descriptive analytical study in library and was done on the basis of bahr_ol_maaref text. the objectives of this research is to study handwritten version and recognizing the poet source as well as poet cultural contemporary situations and also analyzing its style features.

The main questions of this article is that what are the most obvious style features of bahr_ol_maaref masnavi? The result of this study shows that the style characteristics of the masnavi are: simple and fluent language composing creative content ,alleviation words marked with a wovel point word reduction, applying Arabic words, obvious of imaginative forms of the extent that word and meaning oppose to each other such that don't cause to complexity of speech .

**Key words:** shahb_ol_din ali daniali fasavi jahromi ,bahr_ol_din maāref masnavi content and style analysis.

1PhD student of Islamic Azad University, Yasuj Branch, Iran (bitaghasemi@iauyasooj.ac.ir)
[2]- Associate Professor Payam Noor, Iran (m.kheirandish@farspnu.ac.ir)
[3]- Assistant Professor Yasuj Islamic Azad University, Iran (asatirpars@yahoo.com)

www.SID.ir

Archive of SID



**۱ـ مقدمه**

محقق در مقالهٔ حاضر قصد دارد مثنوی بحرالمعارف، دومین اثر از شهاب‌الدین علی دانیالی فسوی جهرمی را از منظر سبک‌شناسی مورد بررسی قرار دهد و ضمن تبیین ویژگیهای زبانی و نحوی، آن را از منظر صور خیال در بوتهٔ نقد قرار دهد.

**۲ـ بیان مسأله**

عصر صفوی در گسترهٔ ادب فارسی نقطهٔ عطفی به شمار میرود . رسمی شدن مذهب شیعه و به تبع آن تمایل شاهان صفوی به شعر آیینی، خروج شعر و شاعری از دربار و مهاجرت شاعران به هندوستان، ادبیات فارسی و بخصوص شعر را تحت تأثیر خود قرار داد. دولت تازه تأسیس صفوی که در پی تغییر مذهب چندین ساله گام برمی‌داشت، برای تحقق اهداف خود نیاز به ابزارهای تبلیغاتی داشت که بتواند این مسیر نسبتاً دشوار را طی کند. بر همین اساس، در این برههٔ حساس، شاهان صفوی که البته با شعر و شاعری بیگانه نبودند، برای پیشبرد اهداف خود، علمای مذهبی و شاعران را با خود همراه کردند. شیخ شهاب‌بن‌علاءبن علی دانیالی فسوی جهرمی از شاعران عارف مسلک همین دوره است که آثاری را به رشته تحریر درآورده که مثنوی بحرالمعارف از جمله آنهاست. دو نسخهٔ خطی از مثنوی بحرالمعارف که بالغ بر ۱۹۰۰۰بیت میباشد، در کتابخانه مجلس شورای ملی وجود دارد. این مثنوی بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن و در بحر رمل مسدس محذوف منظومه‌ای در عرفان و اخلاق است .

**۳ ـ پیشینهٔ تحقیق**

تاکنون نسخه‌های خطی مثنوی بحرالمعارف مورد بررسی و پژوهش و تصحیح قرار نگرفته است و مقالهٔ حاضر نسخه خطی بحرالمعارف به شماره ۹۳۷۱ واقع در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی را بررسی میکند.

**۴ـ ضرورت و اهمیت تحقیق**

نسخه‌های خطی در زمرهٔ آثار ارزشمند، ولی متروک ادبی هستند که در قفسهٔ کتابخانه‌ها و مکانهای دیگر قرار دارند که هر کدام در نوع خود میتوانند دارای ویژگیها و خصایص ویژه‌ای باشند که در امر پژوهش و تحقیقات ادبی برای علاقه‌مندان و دوستداران مثمرثمر واقع شوند. این پژوهش یکی از نسخه‌های خطی مثنوی بحرالمعارف فسوی جهرمی را که در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی قرار دارد، معرفی میکند که در پژوهشهای آتی مورد استفادهٔ محققان و آشنایی با نسخ خطی قرار گیرد.

**۵ـ شرح حال مؤلف**

شیخ شهاب‌بن‌علاءبن‌علی دانیالی فسوی جهرمی، از عارفان و شاعران سدهٔ دهم هجری است. « وی از دانشوران دورهٔ شاه طهماسب صفوی از مشایخ صوفیه و دانشمندی

www.SID.ir

Archive of SID



شاعر بوده است» ( ریاض الحکماء و حیاض الفضلاء ، افندی اصفهانی، ج ۴ : ص ۱۱۵) اگرچه منابعی که دربارۀ شیخ نوشته‌اند نام کامل وی را عنوان نکرده‌اند، ولی در رسالۀ الفقریه و جواهرالادراج نام شیخ چنین آمده است :« شهاب‌بن‌علاءبن‌علی‌دانیالی» ( الفقریه، فسوی جهرمی : ۱) البته افندی در ریاض‌الحکما وی را این گونه معرفی می‌کند :« الشیخ شهاب‌الدین علی الدانیالی الفسوی البرازی ثم الجهرمی »(ریاض الحکماء و حیاض الفضلاء ، افندی اصفهانی، ج ۴ : ص ۱۸) وی در شهرستان جهرم حیات طیبه و عارفانه‌ای داشته است. از شیخ شهاب همانند استادش شیخ عبدالله قطب- مؤسس قطب آباد- اطلاعات زیادی در دسترس نیست، ولی خوشبختانه مهم‌ترین منابعی که گویای حالات و زندگی اوست، مربوط به چهار اثر نفیسی است که از وی بوده و باقی مانده‌اند. تنها منبعی که به طور مفصل شرح حال شیخ را نگاشته، ریاض‌الحکماء و بیاض‌العلماء اثر میرزا عبدالله افندی اصفهانی می‌باشد. نویسنده در این کتاب مطالبی را دربارۀ شیخ علی دانیالی آورده که همان شیخ علی دانیالی جهرمی است .( ریاض الحکماء و حیاض الفضلاء ، افندی اصفهانی، ج ۴ : ص ۱۸ ) دهخدا نیز در لغت نامه تنها به ترجمه سخن معجم المؤلفین اکتفا نموده است .( فرهنگ لغت،دهخدا، ج ۱۰: ص ۱۴۲۹۴) در تذکرۀ نصرآبادی نوشتۀ محمد طاهر نصرآبادی مورخ قرن ۱۱ هجری که شعرای عصر صفوی را معرفی کرده است، متأسفانه هیچ نامی از شیخ شهاب جهرمی، صاحب مثنوی طویل بحرالمعارف نیامده است.( تذکره نصرآبادی، نصرآبادی ) برخی معتقدند که شیخ محتملاً در اواخر قرن نهم هجری در سال ۸۸۰ هجری در فسا به دنیا آمده است. افندی در اثر خود که به شرح حال شیخ پرداخته، وی را از علمای عصر شاه طهماسب صفوی معرفی میکند. با توجه به شعری که شیخ در بحرالمعارف در وصف شاه طهماسب سروده، میتوان این سخن افندی را پذیرفت. شاه طهماسب صفوی یا همان شاه طهماسب یکم، از ۹۳۰ تا ۹۸۴ هجری؛ یعنی ۵۴ سال بر ایران حکومت کرده است .( خلد برین، واله اصفهانی:ص ۳۲۶ ) با توجه به این موضوع میتوان تولد شیخ را احتمالاً در اواخر سال ۹۵۰ و حتی پس از آن در نظر گرفت. از طرف دیگر افندی شیخ را شاگرد علامه دوانی معرفی میکند . این درحالی است که علامه دوانی در سال ۹۰۸ هجری فوت کرده است (شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی، دوانی، : ص۱۰۰) لذا میبایست تولد شیخ را پیش از سال ۹۰۸ هجری در نظر گرفت . هم چنین افندی شیخ را از بزرگان پیش از شاه طهماسب معرفی میکند که این موضوع میتواند با گفته‌های بعد که دربارۀ او آمده منافات داشته باشد. البته با توجه به بیتی که در بحرالمعارف آمده میتوان حدس زد که تولد شیخ در سالهای ۸۸۰ تا ۸۹۰ هجری بوده است:

سال عمر من بود پنجاه و چار  شرع بوده معبدم لیل و نهار

www.SID.ir

Archive of SID



شیخ در حالی سن خود را ۵۴ سال اعلام میکند که کتابت مثنوی بحرالمارف در سال ۹۴۴ هجری به پایان رسیده است . شیخ با کسانی چون شیخ عبدالله قطب جهرمی، عارفی به نام نظام‌الدین محمود در لارستان فارس، امیر غیاث‌الدین دشتکی شیرازی و محقق دوانی کازرونی معاصر بوده و در عصر شاه تهماسب صفوی حدود ۹۵۰ هجری یا پس از آن وفات میکند. افندی در ریاض‌الحکماء علامه دوانی و امیر غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی را از استادان شیخ معرفی میکند.« با توجه به هم‌عصری علامه دوانی و دشتکی شیرازی با قطب بن محیی، بعید نیست که شیخ شهاب‌الدین از شاگردان مکتب قطب باشد. این موضوع از توجه وافر شیخ شهاب الدین به مکاتیب قطب و نیز سفر او به نواحی کنارۀ خلیج فارس، محتملاً برازجان روشن میشود. »(بزرگان جهرم، اشراق : ص۱۲۹ ) شواهد موجود نشان میدهد که شیخ دارای مذهب شیعه بوده است . این موضوع را میتوان از بیان و شرح احادیثی که از قول ائمه شیعه در کتاب جواهرالادراج بیان داشته دریافت نمود.

به مهر آل محمد درون منور ساز — که مهر آل نشان محبت پدر است
ز مهر در جگرم آتشی است شوق افروز — تنور اتش دل سوز گلشن جگر است
متاب رخ ز ره شاه بارگاه جلال — که شمع راه مسلمان و قائل الکفر است
خبر ز شرح اشارات انت منی خوان — اگرچه در حق او بی شمار زین خبر است
اگر به پیش تو رفض است حب اهل البیت — شهاب برج یقین رافضی بحر و بر است

(جواهرالادراج دانیالی فسوی: ۱۸ص)

دیدۀ تاریک از مهر علی — درنگر نیکو که میگردد جلی
دیده بر پای کسی مالم مدام — کو ز اخلاصت مطیع آن امام
مغز جان از مهر او روشن شود — باغ دل رخشنده چون گلشن شود

(همان)

انتساب شیخ شهاب به دانیالی به مناسبت نام جدش، رکن‌الدین دانیال در شهر خنج است. در سده‌های ششم و هفتم هجری، شاخه‌ای از فرقۀ مرشدیۀ کازرون، به رهبری شیخ رکن‌الدین دانیال خنجی در منطقۀ خنج ولارستان بنیان نهاده می‌شود که موجب تحولات گسترده‌ای در این خطه و جنوب فارس میشود. بنابر شواهد تاریخی میتوان تسلط فرقۀ دانیالیه بر خنج را تا اوایل قرن هشتم دانست. پس از عبدالسلام خنجی، ریاست این فرقه توسط فرزندان وی از خنج به هرمز منتقل میشود و رهبری معنوی خنج را به فرقۀ ابونجیمه میسپارند.(ر.ک: بوسعیدی از دیار جنوب، نحوی و فتوت :ص ۲۸۴)

**۶ـ آثار شیخ شهاب الدین جهرمی**

جواهر الادراج و زواهرالابراج، نصایح دانیالیه، رسالۀ فقریه، مثنوی بحرالمعارف و مصباح السالکین

www.SID.ir

Archive of SID



**۷ ـ بحث و بررسی**

این نسخه با دو بیت زیر آغازشده که با خط قرمز نوشته شده است :

آمد سحری به گوشم از غیب ندا　　بشری لک بالنعیم عیشاً رغدا
من یسرق السمع فقل فی سما　　الآن یحسد له شهاباً رصدا
(بحرالمعارف، فسوی جهرمی : برگ۱)

بعد از این دو بیت، حدود سه صفحه به نثر مسجع از کاتب، یوسف‌شاه جمال‌الدین بایزید دیلمی، آورده شده که البته در نسخه بدل نیامده و احتمالاً حذف شده است . کاتب در انتها خود بیان داشته که این نسخه را از روی نسخهٔ خطی شیخ جمال‌الدین شیخ محمد نوشته است. تاریخ کتابت بحرالمعارف را این گونه ذکر کرده است:

جان من تاریخ این فصل‌الخطاب　　هست فرخنده به قانون حساب
در زمان حضرت شاه جهان　　شاه طهماسب ابن اسماعیل‌خان
(همان : برگ ۱۵)

وی برخی از ابیات و ترکیبات عربی و هم چنین واژهٔ «شهاب » را به خط قرمز نوشته و در بیشتر تلمیحات، آیه و حدیث مربوط به آن را با خط قرمز، بعد از بیت ذکر کرده است. در این نسخه در حاشیهٔ صفحات نیز ابیاتی را به صورت مورّب نگاشته که به این ترتیب در هر صفحه حدود ۲۳ بیت آورده است. در صفحهٔ آغاز مثنوی یک بیت عربی آورده شده :

اعطناالتوفیق یارب‌العباد　　لاتزغنا و اهدنا سبل‌الرشاد
(همان : برگ :۱۲)

و سپس با این بیت آغاز می شود:

حمد بی‌پایان خدای پاک را　　کو مکرم ساخت مشتی خاک را
(همان : برگ ۵)

**۸ ـ بررسی ویژگیهای رسم‌الخطی نسخه**

ـ در این نسخه در بیشتر موارد حرف اضافهٔ «به» به کلمهٔ بعد از خود وصل شده است:

جان بتن بخشید تا طاعت کند　　عقل دادش تا بدین عادت کند
(همان : برگ ۵)

بدریای ( به دریای)، بصحرای ( به صحرای)، بجهان ( به جهان) ، بخاک (به خاک)، سربسر (سر به سر)، بنام ( به نام)

ـ متصل شدن «را» مفعولی به واژهٔ قبل از خود نیز در این نسخه امری معمول است:

حمد بی‌پایان خدای پاکرا　　کو مکرم ساخت مشتی خاکرا
(همان : برگ ۵)

www.SID.ir

Archive of SID



تیرگانرا ، شهانرا، طوطیانرا،

ـ اتصال «می» استمراری و مضارع به فعل :

درفشـــانی میکنـــد انـــدر بهـــار　　لالـــه ریـــزد در خریـــف از شاخســـار

(همان :برگ ۳۵)

میگشاید، میکند،

ـ سر هم نویسی واژه‌ها :

در این نسخه بسیاری از واژه‌ها سر هم نوشته شده‌اند :

هـیچکس بـی جـوع صـافی دل نشـد　　فـــارغ از ظلمـــات غـــش و غـــل نشـــد

اصـــل کـــل معصـــیت ســـیری بـــود　　نفـــس پـــروردن ز دلکـــوری بـــود

(همان : برگ ۱۷)

دلکوری، هیچکس،دلسیاهان،

ـ کلاً در این نسخه حرف «گ» استفاده نشده و همه جا به جای آن «ک» آمده است :

کـاه ســرو بـاغ را ســرکش کنـد　　کـــاه آن را هیـــزم آتـــش کنـــد

کـه کشـد بـر فـرق کلشـن‌هـا حریـر　　کـــه ز قلـــب عنـــدلیب آرد نفیـــر

مـــی‌کشـــاید کـــه کـــوه غنچـــه‌هـــا　　کـــه کنـــد بلبـــل ز دام غـــم رهـــا

(همان : برگ۹)

ـ آوردن «ء» به جای «ای» :

جرعـۀ از جـام ذوق انگیـز جـوی　　ســاغری از خـم شـوق آمیـز جـوی

هر خمیـده نیسـت بنـده، بنـده شـو　　مـــردۀ از آب حیـــوان زنـــده شـــو

(همان : برگ ۲۴)

ـ در تمام نسخه چ و پ با یک نقطه آمده‌اند: جاه ( چاه)، بنداری ( پنداری)

ـ در این نسخه تعدادی غلط املایی نیز یافت میشود : ناضر (ناظر)

ـ کاتب در نسخه، اسامی خاص افراد را به رنگ قرمز نوشته است.

**۹ـ بررسی سبک شناسانه بحرالمعارف**

**۹ ـ ۱ ـ سطح فکری**

در این سطح به افکار و اندیشه‌های مطرح در اثر ادبی پرداخته میشود و اندیشه‌ها و افکاری که تشخیص سبکی ایجاد میکنند، مشخص و معرفی میگردد. مثنوی بحرالمعارف منظومه‌ای در عرفان و اخلاق است. شاعر در این مثنوی بعد از حمد و ثنای عارفانۀ پروردگار ، اشعاری در مناقب ائمه (ع) و نعت پیامبر (ص ) بیان داشته است:

ســیدالکــونین و العــل‌الهــدی　　صــاحب‌المعــراج والتــاج‌النقــی

(همان : برگ ۱۲)

www.SID.ir

Archive of SID



سپس بحثی در فواید تحصیل علوم شرعیه و بعضی از معانی آن مطالبی آورده است:

طالب ایـاک ای نهـال بـاغ علـم　　قـم واقبـل نحـوو عرفـان و علـم

(برگ : ۲۲)

شاعر عارف مسلک در فواید ریاضات و مجاهدات ، ذکر و فکر و بعضی از معانی و نصایح آن(برگ: ۷۵)، وعظ و نتایج عزلت از خلق(برگ :۷۷)، محبت محبوب حقیقی(برگ: ۸۲ ) ، صبر و شکر(برگ :۸۸) ، توبه و طاعات(برگ: ۹۰) ، دنیا و ترک آن(برگ ۱۰۱) ، صدق ورزی و محبت(برگ : ۱۱۰) ، صحبت عارفان و مضرت صحبت جاهلان(برگ :۱۰۹) ، جود و سخا(برگ :۱۱۳) ، اعراض از جاهلان و صحبت عارفان(برگ : ۱۱۵) ، تصفیه قلب و تخلیه روح(برگ :۱۱۷)، قناعت و صحبت با فقرا(برگ ) ، دوستی حق و اهل حق ، اعانت و امداد مسلمانان(برگ:۱۲۶) ، پرورش تخم ارادت و حاصل آن ،حیا و شرم و (برگ:۱۲۰) نگاه، جود و کرم و خدمت مهمان( برگ : ۱۳۲) ،سفر و مذمت حضر و عدل و احسان ( برگ: ۱۴۶) مواردی به صورت مفصل عنوان کرده است.

### ۹ ـ ۱ ـ ۱ ـ جایگاه عشق

عشقی که در این مثنوی از آن سخن رفته عشقی وارسته از جهان خاکی و در حقیقت عشق عرفانی است که بر عقل ارجحیت دارد :

عشـق چـون بـر عـرش دل خرگـاه زد　　سـایه‌بـان بـر فـرق مهـر و مـاه زد

رو صـفات عاشـقان حاصـل نمـا　　عقـل و روح و جسـم خـود کامـل نمـا

( همان برگ : ۴۲)

وی همچون مولانا در تقابل عقل و عشق معتقد است که «پای استدلالیان چوبین بود»:

زود رو بـا ملـک اسـتعمال کـن　　دیـده بگشـا تـرک اسـتدلال کـن

(همان : برگ ۱۳۳)

### ۹ـ ۱ ـ ۲ ـ عرفان

عرفان دانیالی فسوی بیشتر متأثر از عرفان سبک عراقی است. وی از دیـدی درونـی و عرفانی برخوردار است و اشیا و امور مادی و عالم آفرینش را مجازی و دسـت شسـتن از آن را لازم میداند. پی بردن به باطن و کنه امور و اشیا و دریافت حقایق و سیر و سلوک انسانی و وصول به معرفت و فانی شدن در وجود خداوند، بنیان تعلیمات و اساس آثار او را تشکیل میدهد. لذا میتوان رگه‌هایی از عرفان عارفان شاعر در سبک عراقی را در شعر او یافت:

قصـر همـت تـا نگردانـی بلنـد　　راه کـی یـابی بـه بـرج ارجمنـد

(همان : برگ ۱۱۰)

بیت مذکور تحت تأثیر این کلام حافظ قرار دارد:

www.SID.ir

Archive of SID



همتم بدرقـه راه کـن ای طـایر قـدس  که دراز اسـت ره مقصـد و مـن نوسـفرم
(دیوان،حافظ :ص ۴۴۴)

و مضمون و محتوای زیر از فسوی :

تـا نگـویی تـرک هسـتی و غـرور  درنیـابی از پـس ایـن پـرده نـور
تـا تـو هسـتی، نیسـتی از عارفـان  عاشـق خـود کـی رسـد بـر سـابقان
(بحرالمعارف،دانیالی فسوی، برگ ۱۱۰)

از بیت زیر از حافظ متأثر میباشد:

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست  تو خود حجاب خودی حـافظ از میـان برخیـز
(دیوان ،حافظ :ص ۳۶۰)

لذا میتوان برخی از اندیشه‌های عارفان شاعران سبک عراقی را در شعر دید.

در فواید تقوی و بعضی از معانی آن سخن گفته است:

رو دل غمگـین بـه تقـوی شـاد کـن  وز ورع ایـوان جـان آبـاد کـن
(بحرالمعارف،دانیالی فسوی، برگ : ۵۳)

از توکل و بعضی از معانی آن نیز سخن رانده است:

در توکـل بـاش صـادق چـون خلیـل  تـا کـه گـردد حافظـت رب جلیـل
(همان،برگ :۶۴)

**۹ ـ ۱ ـ ۳ ـ اشاره به آیات و احادیث**

از قـل الـروح ای معلـم یـاد کـن  خـاطر اطفـال مکتـب شـاد کـن
(بحرالمعارف فسوی جهرمی: برگ ۱۹۵)

وَيَسْأَلُونَکَ عَنِ الرُّوحِ  قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّی وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (اسراء /۸۵)

چـون السـت را بلـی گفتـی جـواب  از ره توحیـد عرفـان رخ متـاب
(بحرالمعارف فسوی جهرمی: برگ ۱۸۹)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ ...(اعراف/۱۷۲)

سـرّ موتـوا روشنسـت ای تیـزبین  تیـره‌رو دورسـت از عـین‌الیقـین
(بحرالمعارف فسوی جهرمی: برگ ۱۳۰)

مُوتُوا قَبلَ اَن تمُوتُوا (بحارالانوار ج ۷۲ :۵۹)

**۹ ـ ۱ ـ ۴ ـ اشاره به باورهای عامیانه**

سعی کن تـا بوکـه سـنگت زآفتـاب  صـاف گـردد سربسـر چـون لعـل نـاب
(بحرالمعارف، برگ ۱۸۹)

گـنج از ویرانـه‌هـا بیـرون مبـین  نقـد آن کـن منظـر عـین‌الیقـین
(همان : برگ ۱۱۴)

www.SID.ir

Archive of SID



گـــه فشـــاند ز ابـــر نیســـانی گهـــر  قطـــره‌هـــا ســـازد بـــه رحمـــت بـــا درر
(همان : ۷)

**۹ ـ ۲ ـ مختصات ادبی**

**۹ ـ ۲ ـ ۱ ـ موسیقی شعر**

موسیقی ، پس از عنصر تخیّل بیش از هر عنصر دیگری با شعر مأنوس و همراه میشـود و میتواند در جهت القای مضامین و احساسات شاعرانه نقـش زیـادی را ایفـا کنـد.( ر . ک: موسیقی در ادبیات، طهماسبی : ص ۵۹) به عبارت دیگر ، هماهنگی میان واژه‌ها، صامت‌هـا و مصوّت‌ها و هر گونه ارایهٔ زیباشناسی و بدیعی که به سبب آن معنا در بافـت شـعر شـکل میگیرد و نظام مییابد. ناقدان سـخن بـر ایـن باورنـد کـه :«ذات شـعر متشـکل از : زبـان ، موسیقی ، صور خیال ، عاطفه ، اندیشهٔ شعری و پشتوانهٔ فرهنگی است.» ( چشم انداز شعر معاصر ایران، زرقانی: ص ۲۶ )

موسیقی شعر در حقیقت ، رقص واژه‌هاسـت کـه بسـیار ریتمیـک و بـا تـرنّم اسـت. « موسیقی شعر دامنهٔ پهناوری دارد. گویا نخستین عاملی که مایهٔ رستاخیز کلمه‌هـا در زبـان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی وا داشته است، همین کـاربرد موسـیقی در نظـم واژه‌هـا بوده است. »( موسیقی شعر، شفیعی‌کدکنی،ص۷۹ )

**الف ـ موسیقی بیرونی (وزن)**

منظور از موسیقی بیرونی، وزن در مفهوم عروضـی آن اسـت. وزن شـعر ایجـاد نظـم و هماهنگی در طول مصراع ها و چیدمان هجاهای عـرض مصـراع اسـت.. «زبـان در اجـرای شفاهی دارای ضرباهنگ است اگر این ضرباهنگ در انگاره‌ها و نظـم معینـی قـرار بگیـرد و تکرار شود، وزن یا بحر پدید میآید ». (فرهنـگ اصـطلاحات ادبـی، داد : ص ۵۱۷) مثنـوی بحرالمعارف در وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن و بحر رمل مسدس محذوف سروده شده که که بیشتر مناسب موضوعات پندآمیز و عارفانه است. منطق الطیر عطار و مثنوی مولوی نیـز در این وزن سروده شده اند و از جمله پرکاربردترین اوزان شعر فارسی است.

**ب ـ موسیقی کناری( قافیه و ردیف)**

منظور از موسیقی کناری، عواملی است که در نظام موسیقیایی شعر مؤثرند، اما حضـور آنها در سراسر بیت ضروری نیست و شامل ردیف و قافیه در بیت میشود. «قافیـه بـا تـأثیر موسیقیایی و تشخصی که به کلمات خاص هر شعر میبخشد ، لذت حاصل از برآورده شدن یک انتظار، زیبایی معنوی یا تنوع در عین وحدت ، تنظیم فکر و احساس، اسـتحکام شـعر، کمک به حافظه و سرعت انتقال، ایجـاد وحـدت شـکل در شـعر، جـدا کـردن و تشـخیص مصراعها، کمک به تداعی معانی، توجه دادن به زیبایی ذاتی کلمات، تناسب و قرینه سازی، ایجاد قالب مشخص و حفظ وحدت ، توسعهٔ تصویرها و معانی و بـالاخره القـا مفهـوم از راه

www.SID.ir

Archive of SID



آهنگ کلمات است.» (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی:ص۶۲ ) همچنین «ردیف در لغت به معنی سواری پشت سواری دیگر است و در علم قافیه لفظ یا الفاظی است (حرف ، اسم ، ضمیر، فعل ، جمله ، عبارت ، شبه جمله) مستقل از قافیه که پس از آن به یک معنی و به یک لفظ تکرار میشود و شعر در معنی خود بدان نیاز دارد.» (عروض فارسی، ماهیار: ص ۲۷۳ ) در این میان بسیاری از شاعران آنگاه که در تنگنای قافیه قرار میگیرند، از قافیه‌هایی استفاده میکنند که خالی از عیوب قافیه نیست. در ابیات زیر میتوان برخی از این عیوب را مشاهده کرد. بر اساس قاعدهٔ یک قواعد قافیه تنها مصوتهای /ا/ ، / و / میتوانند به تنهایی اساس قافیه قرار گیرند.در زیر « ی » و « ق » اساس قافیه قرار گرفته‌اند:

بلبل بستان سبحان‌الذی است　　شاهباز اوج ملک سرمدی است
بلبل باغ بقا هادی خلق　　معدن عرفان امام غرب و شرق
درنگر نیکو به راه رسم او　　خط نسیان کش به حرف خصم او
آن که راه باغ غیبی طی کند　　بلبل جانش فغان چون نی کند
(بحرالمعارف دانیالی فسوی، برگ ۱۳)

در این مثنوی اشکال قافیه وجود دارد. در ابیات زیر بیت فاقد قافیه است:

هر دلی کش مهر او آمدپدید　　قفل گنجش را کلید آمدپدید
(همان : برگ ۱۵)

لذت دنیا و ذوق ما و من　　نیست جز خواب و خیالی جان من
( همان : برگ ۴۶)

در ابیات زیر نیز عیب اکفا ( اختلاف حرف روی است و تبدیل آن به حرفی قریب المخرج) کاملاً مشهود است:

گر زنی بر کام چون مصباح نار　　سر به سر روشن کنی مشکات نار
(همان : برگ ۲۳)

از مناجات زبان آزاد شو　　وز ره دل سوی آن ساحات شو
(همان: برگ ۱۴۴)

اگرچه «ردالقافیه»در قصیده و غزل اتفاق میافتد و مخصوص مثنوی نیست، اما در این اثر شاعر گونه‌ای از «ردالقافیه » را به کار برده است:

چون رسد بر استخوان تیغ ای پسر　　واجبست آنگاه از منزل سفر
تا دلت قایم نگردد در سفر　　کی بیابی ذوق عرفان ای پسر
( همان : برگ ۱۴۶)

www.SID.ir

Archive of SID



شاعر در مثنوی بحرالمعارف بیشتر از قوافی اسمی خوشآهنگ و نرم همچـون «خـاک، پاک»، « حال،کمال» ،«حیات، نجات» برای ارتقای سـطح موسـیقایی اشـعار بهـره بـرده و کوشیده است کمتر از قوافی فعلی استفاده کند. اصولاً در قالب مثنـوی تکـرار قافیـه عیـب محسوب نمی شود، اما به نظر میرسد در این مثنوی بسـامد برخـی قـوافی همچـون «دل، گل»، «خاک، پاک»، «حجاب، آفتاب»... بیشتر است و دانیالی فسوی از آنها بیشتر استفاده کرده است.

همقافیه شدن « خور» و « ثمر» در بیت زیر نشـان میدهـد کـه شـاعر از تلفـظ کهـن «خور»؛ یعنی «خَر» استفاده کرده تا بتواند با «ثَمر » همقافیه شود:

آنکـه شـد از عـین عرفـان آب خـور　　روضـۀ امیـد او شـد پـر ثمـر

( همان : برگ ۴۴)

شاعر به پیروی از سبک خراسانی گاه از اختیارات شاعری « تبدیل» نیز استفاده می کند :

از حماقـت جهـل خیـزد ای جـوان　　چشـمۀ حیوانْـت در خـاکش روان

(دانیالی : برگ ۲۸)

در این قاعده، دو هجای کوتاه متوالی به یک هجای بلنـد تبـدیل میشـود. ایـن تبـدیل معمولاً در هجای ماقبل آخر مصراع (پایۀ کوچکِ پایان مصراع) پیش میآید.

**ج ـ موسیقی درونی و معنوی**

موسیقی درونی حاصل هماهنگی و ترکیب کلمات و طنین خاص هر حرف در مجاورت با حرف دیگر است. شفیعی‌کـدکنی در ایـن بـاره مینویسـد: «ایـن قلمـرو موسـیقی شـعر، مهمترین قلمرو موسیقی اسـت و اسـتواری و انسـجام و مبـانی جمـال‌شناسـی بسـیاری از شاهکارهای ادبی، در همین نوع از موسیقی نهفته است. » (موسیقی شعر، شفیعی‌کـدکنی : ص ۳۹۲)

**۹ ـ ۲ ـ ۲ ـ بیان**

شواهد شعری نشان میدهد که در دیوان فسوی جهرمی، آرایه‌های ادبی بـه خـوبی بـه کار گرفته شده‌اند. شاعر توانسته است ضمن بازی بـا کلمـات و بـه رقـص در آوردن آنهـا ، معنی و مفهوم را در کنار لفظ قرار دهد. این هنر شاعری او باعث شده اسـت کـه صـناعات بلاغی در شعر او تصنعی و ساختگی به نظر نیابد.

**۹ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۱ ـ تشبیه**

از جمله آرایه‌های پر بسامد در مثنوی بحرالمعارف، آرایه تشبیه است. شـاعر تقریبـاً از انواع تشبیه در اشعار خویش سود جسته است. در اکثر تشبیهات هر دو طرف تشبیه حسی هستند، ولی در خیلی از تشبیهات هم مشبه عقلی و مشبه به حسی است.

www.SID.ir

Archive of SID



در رهـش انـداز سـر را همچـو گـوی　　بگذر از میـدان بحـث و گفـت و گـوی
(بحرالمعارف، فسوی جهرمی: برگ۸۵)

گـر بمیـری چـون ظلـوم دل سـیاه　　همـــدمت در قبـــر باشـــد ســـوز و آه
(همان : برگ ۱۹۸)

رو صـبوحی نـوش چـون دیوانـه‌هـا　　رخ متـاب از عرصـه‌هـای میخانـه‌هـا
( همان : ۱۱۳)

بختکی خواهی سـفر کـن زیـن وطـن　　همچـو خامـان از حقیقـت دم مـزن
( همان : ۱۱۵)

چشم جان بگشای چـون اهـل شـهود　　درنگـــر بـــر نقـــش الـــواح وجـــود
(همان : ۱۱۶)

دل ز ســوز عشــق چــون یابــد اثــر　　دم بـه دم باشـد چـو غنچـه تـازه‌تـر
(همان : ۱۱۸)

**الف ـ تشبیه بلیغ**

«تشبیهی که در آن نه وجه شبه ذکر شود و نه ادات تشبیه، تشـبیه بلیـغ نـام دارد. » (شمیسا، ۱۳۷۸: ۶۹)

در این میان گاهی اوقات ادات و وجه شباهت حذف میشوند، بدون اینکه جای مشـبه و مشبه‌به عوض شود که به آن تشبیه بلیغ غیر اضافی میگوییم، مثل رخسار گل. امـا گـاهی بعد از حذف وجه شباهت و ادات، جای مشبه و مشبه‌به عوض میشود که به آن تشبیه بلیغ اضافی یا اضافهٔ تشبیهی میگوییم، مثل طفل نفس.(همان)

ســوختی در آتــش حــرص و هــوا　　گشـــته ای زان تیـــره خـــاطر بینـــوا
طفــل نفــس از شــیر لــذت بــازگیر　　مهـد طاعـت مسـکن و دمسـاز گیـر
زنــگ از مــرآت دل چــون دور شــد　　در نگـــر دردی کـــه جـــای نـــور شـــد
(دانیالی، برگ ۱۷۵)

گـر نبـودی ابـر رحمـت رشـحه ریـز　　خاص بودی عـام سـان در خفـت و خیـز
( همان : برگ ۷۷)

گـر کنـد یـک جلـوه طـاوس جمـال　　طــوطی دل کــی زنــد دم زیــن مقــال
(همان : برگ : ۱۹۹)

سـیل محنـت آیـد از هـر سـو مـدام　　غـرق کردنـد در کـدورت خـاص و عـام
( همان : برگ ۱۹۶)

بحرصفا (برگ ۱۲)، دریای کرم ( برگ ۱۲)، بحر عرفان ( برگ ۱۳)، بحر رحمت (بـرگ ۱۳)، دریای جو ( برگ ۱۳)

www.SID.ir

Archive of SID



آتش حسرت ( برگ ۱۴)،ابر فیض( برگ ۱۷)، آفتاب معرفت ( برگ ۱۸)

**ب ـ تشبیه مفروق**

در اینجا هم چند مشبه و مشبه‌به داریم، اما هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است:

نفس تو چون زاغ باشد، روح باز　　زاغ سیرت دیده‌اش کی گشت باز؟
(همان : برگ ۸۸)

آدمی چون گشت کان سیم و زر　　ظاهرش سنگست و باطن چون گهر
(همان : ۸۷)

**۹ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۲ ـ استعاره**

در ژرف ساخت استعاره، تشبیه وجود دارد. هر گاه از چهار رکن تشبیه، سه رکن آن حذف شود و تنها مشبه‌به ذکر گردد، به آن استعاره میگویند.

خوار باشد این عروس بی‌وفا　　همچو خاک رهگذر در پیش ما
صاف کن مرآت چون روشن دلان　　تا ببینی نور غیبی اندران
(همان : برگ ۲۵)

عروس بی وفا استعاره از دنیا، مرآت استعاره از دل.

هر که آمد شد در این زندان اسیر　　خاک گشت و باد بردش دار و گیر
(همان : برگ ۱۶۹)

حاصلا اعراض کن از دیر دون　　ورن خواهی گشت در آخر زبون
(همان : برگ ۱۶۹)

این زندان و دیر دون، استعاره از دنیا

آینه کن صاف و بس بین نور خور　　چشم دل بگشا و در آن می نگر
(همان : ۱۱۴)

آینه استعاره از دل

**الف ـ اضافه استعاری**

اگر گوینده مضافٌالیه را به مضاف تشبیه نکند، بلکه به چیزی تشبیه کند که مضاف یکی از اجزا و وابسته‌های آن باشد، آن ترکیب اضافهٔ استعاری است؛ به عنوان مثال «رخِ مهتاب» در مصراع«وز دور بوسه بر رخ مهتاب می‌زدم» اضافهٔ استعاری است، چون۱- مهتاب رخ ندارد.۲-مهتاب به رخ تشبیه نشده است.۳-مهتاب به موجودی(انسانی) تشبیه شده است که رخ از اجزا و اعضای آن است. در ابیات زیر« چشم دل » و « گوش جان» همین وجه را دارند:

چشم دل بگشا چو روشن سیرتان　　رخ متاب از حضرت شاه جهان
(همان : ۳۵)

www.SID.ir

Archive of SID



نشـــــود آواز هـــــاتف بـــــدگهر  زانکـه گـوش جـان آن دونسـت کـر
(همان : برگ ۱۹۸)

**ب ـ تشخیص**

تشخیص یا جان بخشی نسبت دادن صفات و خصوصیات انسان به غیر انسان را گویند:

خاک خواری بر سـرت افشـاند جهـل  راه حـق رفـتن بـه جاهـل نیسـت سـهل
(همان : برگ۱۱)

شـد پشـیمان بلبلـی ز افغـان و زار  کـش نصـیب آمـد از آن گلـزار خـار
(همان : برگ ۱۹۸)

سـر بـه سـر اشـجار بسـتان وجـود  روز و شـب باشـند پیشـش در سـجود
(همان : ۸)

**۹ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۳ ـ کنایه**

یکی دیگر از آرایه‌های مطرح در مثنوی بحرالمعارف کنایه است. «کنایه جمله یا ترکیبی که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه‌یی هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد.» (نگاهی تازه به بدیع، شمسیا :ص ۲۶۵)

گـر خـلاف امـر شـاهان مـی‌کنـی  پشـت دسـت آخـر بـه دنـدان میکنـی
میگـزی انگشـت حیـرت آن زمـان  کـه شـود محمـل ازیـن منـزل روان
پنبـهٔ غفلـت بکـش از گـوش هـوش  چنـد باشـی از مـی عصـیان بـه جـوش
(بحرالمعارف دانیالی، برگ :۲۵)

شـوی دسـت از کشـتی هسـتی تمـام  پـس بـه روی بحـر پـا نـه والسـلام
(همان : برگ ۱۸۸)

زاهدی کو مسـت از جـز ایـن مـی اسـت  خـاک بـر سـر بـاد بـر دسـت وی اسـت
(همان : برگ ۱۹۰ )

**۹ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۴ ـ مجاز**

مجاز استعال لفظ یا جمله در معنی غیر ما وُضعَ لَه، به شرط وجود قرینه و علاقه است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا :ص ۴۵)

در بیت زیر « مشتی خاک» به قرینهٔ ماکان؛ یعنی انسان

حمـد بـی‌پایـان خـدای پـاک را  کـو مکـرم سـاخت مشـتی خـاک را
(دانیالی فسوی : برگ ۲۰ )

هـر کـه گـردن تافـت از راه طلـب  سـیل مژگـانش رسـد آخـر بـه لـب
(همان : ۱۸)

www.SID.ir

Archive of SID



در این بیت «سیل مژگان » به قرینهٔ مجاورت منظور اشک چشم است.

**۹ـ۲ـ ۳ ـ بدیع**

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۱ ـ جناس**

**الف ـ جناس تام**

دو کلمه از لحاظ شکل و لفظ مثل هم هستند، اما معنای متفاوتی دارند:

نفس تو چون زاغ باشد، روح باز  زاغ سیرست دیده اش کی گشت باز
(همان : برگ : ۸۸)

هر که افتد در کمند مکر زن  شد اسیر دام کید راه زن
(همان : برگ ۱۹۱)

**ب ـ جناس ناقص اختلافی**

دو واژه تنها در یک حرف با هم اختلاف دارند:

هر که شد تسلیم فرمان خدا  فارغست از قیل و قال و ماجرا
(همان:برگ ۱۸۹)

ملک عرفان شد مسلم بر کسی  که رود بر وادی تقوی بسی
( همان : برگ ۱۹۲)

حمد بی پایان خدای پاک را  کو مکرم ساخت مشتی خاک را
(همان : ۵)

در رهش هر طایری کو بال زد  دم ز سرّ معرفت در حال زد
(همان : ۸)

کس / خس (برگ ۸ )، ذکر/ فکر(برگ ۸) ، دنگ / سنگ (برگ ۹)

**ج ـ جناس ناقص حرکتی**

دو واژه تنها در یک حرکت با هم اختلاف دارند:

گر به دست مِهر مُهر از نامه‌اش  نیک برداری شوی دیوانه‌اش
(همان : برگ ۱۸)

**دـ جناس ناقص افزایشی**

در بین دو واژه، یکی نسبت به دیگر یک حرف اضافه دارد:

پادشاها پیش ازین خوارم مکن  در جهان جان نگونسارم مکن
ذکر ظلمت سوز باشد ای جوان  سرمهٔ غیبی کشد در چشم جان
(همان : برگ ۱۱)

زین خمار و خمر اگر آگه شوی  کی چو مخموران ره گمره شوی
(همان : برگ ۱۲۴)

www.SID.ir

Archive of SID



شـور و شـر آیـد ز هـر سـویی پدیـد　　سـر زنـد زان پـس کـدورات شـدید
(همان : برگ ۱۹۶)

**۹ـ۲ـ۳ـ۲ـ ایهام**

ایهام، در لغت به معنای « به وهم و گمان افکندن» است و توریه به معنای «پوشاندن» وطواط ایهام را چنین تعریف کرده است: «چنان بُوَد که دبیر یا شاعردر نثر یا نظم الفـاظی به کار برد که آن لفظ را دو معنی باشد، یکی قریب و دیگر غریب و چـون سـامع آن الفـاظ بشنود، حالی خاطرش به معنی غریـب رود و مـراد از آن لفـظ، خـود معنـی غریـب بُـوَد» (وطواط، ۱۳۳۲ :۳۱ ) تعریف کاشفی در قرن نهم کم و بیش همان تعریـف رشـید وطـواط است، با این تفاوت که وی بیش از دو معنی را نیـز در ایهـام محتمـل دانسـته اسـت(بدایع الافکار فی صنایع‌الاشعار، کاشفی :ص ۱۰۱ ). محمود حسینی در سدهٔ دهـم پـس از ذکـر همان تعریف وطواط، در شرح انواع ایهام، میگوید که ذکر «دو معنـی» در تعریـف ایهـام از باب ذکر حداقل است، نه انحصار (بدایع الصنایع،حسینی :ص ۱۳۴ ). جلال‌الـدین همـایی نیز تعریف سنّتی ایهام را که ذکر شد، آورده است؛ اما وی معتقـد اسـت کـه هـر دو معنـی قریب و بعید مراد است (فنون بلاغت و صناعات ادبـی، همـایی : ص ۲۳۱ ). محمـد خلیـل رجایی «توریه» را این گونه توضیح میدهد: «این صنعت را ایهام و تخییل نیـز گوینـد و آن چنان است که در کلام لفظی آورند که دو معنی داشته باشد، یکـی قریـب و دیگـر بعیـد و مراد معنی بعید باشد به معونهٔ قرینهٔ خفیّه که آن را جز شخص فطِن درک نکند» (معالم-البلاغه، رجایی :ص ۳۴۱ ) به این ترتیب، وی قرینهٔ پنهان و مخاطـب زیـرک را نیـز جـزء تعریف ایهام قرار میدهد. سیروس شمیسا ایهام را این گونـه تعریـف میکنـد: «کلمـه‌ای در کلام حداقل به دو معنی به کار رفته باشد» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا :ص ۱۳۲ )

محملت شد از سر چشـمه روان　　تـو هنـوزی تشـنه لـب در خاکـدان
(بحرالمعارف دانیالی فسوی، برگ : ۳۶)

روان : جاری / جان

جملـه در شـیراز موجودسـت مـدام　　رخ متـــاب از آن مدینـــه والســـلم
(همان : برگ ۲۶)

مدام: پیوسته / باده و شراب

**الف ـ ایهام تناسب**

واژه دارای دو معنی است، ولی با توجه به معنای بیت تنها یک معنای آن قابل برداشت است و معنی دوم آن با کلمه یا کلمه‌های دیگر تناسب دارد:

هـر کـه گـردن تافـت از راه طلـب　　سـیل مژگـانش رسـد آخـر بـه لـب
(همان: برگ ۱۸)

www.SID.ir

Archive of SID



در این بیت، لب در معنای لب انسان است، ولی در معنی کنار با سیل تناسب دارد:

از لـب دل بـا تـو گفـتم آن سـخن　　کـــه ندانـــد غیـــر اســـتاد کهـــن

(همان : برگ ۱۸۶)

در این بیت، لب به معنی کنار و پهلو است، ولـی در تناسـب بـا دل ، لـب انسـان هـم تداعی میشود.

مـــردم چشـــم منســـت آن پادشـــاه　　کـه کنـد رخشـان شـریعت همچـو مـاه

(همان: برگ ۱۸)

مردم در مصرع اول، ایهام تناسب دارد: مردم در معنای مردمک چشـم اسـت، ولـی در رابطه با پادشاه انسان را به ذهن متبادر میکند.

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۳ ـ تضاد (طباق)**

«در این جا بین معنی دو یا چند لفظ تناسب تضاد (تناسب منفی) باشد؛ یعنی کلمـات از نظر معنی، عکس و ضد هم باشند.» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۸۹)

از درونـــی نـــور میآیـــد بـــرون　　کـش بـود مصـباح ایمـان در فـزون

تـــا نترســـی مخلصـــانه از خـــدا　　از تـــو کـــی ترســـند ســـلطان و گـــدا

(فسوی جهرمی : برگ ۱۵۱)

نـی کنـد افغـان و زاری بـیزبـان　　سـوزد از سـوزش بسـی پیـر و جـوان

(همان : برگ ۱۹۴)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۴ ـ اعداد ( سیاقه الاعداد)**

اگر شاعر چند اسم را پشت سر هم بیاورد و بـرای همـهٔ آنهـا یـک اسـم و یـک صـفت بیاورد، به آن صنعت اعداد میگویند.

«چند اسم را که متوالیاً ذکر شدهاند، از یک جهت منظور کنند و برای همه یک فعل یا صفت بیاورند» (شمیسا، ۱۳۷۸ : ۱۱۷)

ذکـر و فکـر و عزلـت و صـدق و صـفا　　دل کنـــد منظـــور افطـــار خـــدا

(همان : برگ ۱۱۲)

عجب و شرک و حرص دل گمراه کرد　　جـــان بعیـــد از قربـــت الله کـــرد

( همان : برگ ۴۴)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۵ ـ واج آرایی (نغمه حروف)**

تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه جمله که باعث میشـود سـطح موسـیقایی کلام افزایش یابد، واج آرایی نامیده می شود:

از رضـای حـق بـزن دم، دم بـه دم　　بـــر ره تســـلیم در دم نـــه غـــم

(همان : برگ :۱۸)

www.SID.ir

Archive of SID



باخبر از شاهد و مشهود شو　　همچو شاهد محو در مسجود شو
(همان : برگ ۴۶)

در دلی که شرک و شک موجود شد　　بی نصیب از شاهد و مشهود شد
(همان : برگ ۱۱۷)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۶ ـ اسلوب معادله**

آن است که یک مصراع را بتوان مصداقی برای مصراع دیگر فرض کرد به عبارت دیگر بتوان بین آن دو مصراع علامت مساوی گذاشت یا بتوان جای آنها را عوض کرد. ارتباط بین آن دو قسمت بر پایهٔ تشبیه است. شفیعی‌کدکنی در این باره مینویسد : « معادله‌ای است که به لحاظ نوعی شباهت، میان دو سوی بیت ـ مصراع ـ وجود دارد و شاعر در مصراع اول چیزی میگوید و در مصراع دوم چیزی دیگر ؛ اما دو سوی این معادله از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند .» (شاعر آینه‌ها، شفیعی‌کدکنی: ص ۸۴)

شاد شو بر غصه‌ها چون اهل ذوق　　سعی کن در کسب نور و نار شوق
(بحرالمعارف دانیالی : برگ ۱۴۰)

حرف ناقص‌همتان نارفته به　　راه همراهان دون نارفته به
( همان : ۱۱۵)

دولت و اقبال خیزد از تفاق　　نکبت و ادبار و افلاس از نفاق
(همان : ۱۱۵)

کی نشید باز با زاغ پلید　　کی ز سنگ بد، گهر آید پدید
(همان : ۱۱۶)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۷ ـ تکرار**

در این آرایه، دو کلمه یا دو جمله و عبارت اگر عیناً تکرار شوند، به گونه‌ای که به زیبایی و موسیقی شعر بیفزایند :

الله الله سوزم از شرمندگی　　ره ندارم بر طریق بندگی
یا الهی یا الهی یا اله　　بس خطا کردم مقدم بر گناه
مایه‌ام امید و بیمت روز شب　　الله الله ثابتم کن در طلب
هر که دل بسته بدان خاک ای شهاب　　در حجابست و حجابست و حجاب
ای فغان از فتنه آخر زمان　　ای فغان از قول و فعل ره زنان
(همان : برگ ۱۰)

www.SID.ir

Archive of SID



حرص و شهوت داد دین تو به باد　　داد داد از حرص و شهوت داد داد
(همان : برگ ۸۹)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۸ ـ ردالصدر الی العجز**

اول و آخر بیت یکسان است:

صد فغان از غفلت دل صد فغان　　صد فغان از ظلمت غل صد فغان
(همان : برگ ۷۷)

دیده تا نادیده ای جان جهان　　نیست فرقی بیم روشن دیدگان
( همان : ۱۷۴)

حال کرده محو قیل و قال تو　　قال‌پرور غافلست از حال تو
(همان : ۱۴۴)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۹ ـ حسن تعلیل**

در چمن زان میزند بلبل نفس　　تا مگر یابد به گلبن دسترس
(همان : برگ ۱۹۸)

ابر شد گریان زمین چندان بسی　　تا برون آید ز حرم آن کسی
(همان : ۹۸)

عیب چو مرآت ما معیوب دید　　روی قلب خویشتن مرغوب دید
( همان : ۱۱۵)

نوش با نوش از عبادت میشود　　نور با ظلمت ز عادت میشود
(همان : ۱۱۶)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۱۰ ـ موازنه**

هماهنگ کردن دو جمله به وسیلهٔ تقابل اسجاع متوازن است:

دست زن در چادر شرم و حیا　　پای نه بر تارک نفس و هوا
( همان : ۱۸۸)

بر جمالت از فلک گردی مباد　　بر جبین روشنت دردی مباد
(همان : ۱۷۶)

مهتران مغرور و بی شفقت شوند　　کهتران عاصی و کم خدمت شوند
(همان : ۱۳۹)

**۹ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۱۱ ـ لفّ و نشر**

دوستی با دوستان حق نکوست　　حق[۱] و باطل[۲] کن جدا چون مغز[۱] و پوست[۲]
( همان : ۱۱۲)

www.SID.ir

Archive of SID



در دلی که شرک[۱] و شک[۲] موجود شد　　بی‌نصیب از شاهد[۱] و مشهود[۲] شد
(همان : ۱۱۷ )

باش دایم محترز از شر و شور　　دورگردان جور[۱] و زور[۲] از مار[۱] و مور[۲]
(همان : ۱۲۲)

بررسی مجموع ۱۹۰۰۰ بیت مثنوی بحرالمعارف نشان میدهد که درصد فراوانی آرایه-های ادبی آن بدین شرح است:

| بسامد آرایه‌های ادبی مثنوی بحرالمعارف | | |
|---|---|---|
| آرایه های ادبی | فراوانی | درصد فراوانی |
| انواع تشبیه | ۱۲۱۰ | ۶/۴۱ |
| تلمیح | ۷۰۴ | ۳/۷ |
| انواع جناس | ۳۹۶ | ۲/۰۹ |
| تضاد | ۳۸۵ | ۲/۰۲ |
| کنایه | ۱۷۶ | ۰/۹۲ |
| تکرار | ۱۶۵ | ۰/۸۶ |
| استعاره | ۱۴۳ | ۰/۷۵ |
| واج آرایی | ۱۳۲ | ۰/۶۹ |
| تشخیص | ۱۱۰ | ۰/۵۷ |
| اعداد | ۹۹ | ۰/۵۲ |
| ایهام | ۸۸ | ۰/۴۶ |
| مجاز | ۸۸ | ۰/۴۶ |
| موازنه | ۷۷ | ۰/۴ |
| حسن تعلیل | ۶۶ | ۰/۳۴ |
| ضرب المثل | ۱۱ | /۰۵ |

**۱۰ ـ نتیجه گیری**

شیخ شهاب‌الدین علی دانیالی فسوی جهرمی مثنوی بحرالمعارف را در اخلاق و عرفان به پیروی از مثنوی معنوی و در بحر رمل مسدس محذوف سروده که دو نسخه خطی از آن به شماره ۹۳۷۱ در کتابخانه مجلس موجود می‌باشد. نسخه خطی اول بحرالمعارف، بی‌تا (بدون تاریخ )، نشانی‌ها شنگرف، اشعار در متن و حاشیه تحریر شده، جلد: تیماج، سرخ، ضربی، ترنج با سر، مجدول گرهی، لولادار. ۲۱۸ برگ ، ۱۳ × ۲۱ سانتی متر، ۱۳ سطر که

www.SID.ir

Archive of SID



به شماره ۷۹۰۹۴ ثبت شده است. این نسخه به خط نستعلیق توسط یوسف شاه جمال-الدین بایزید دیلمی در سال ۱۳۶۵ هجری قمری در تبریز کتابت شده است . نسخه دوم، بی‌کا، بی‌تا ( بدون تاریخ )، نشانی ها شنگرف ، اشعار در متن و حاشیه تحریر شده ، جلد : تیماج، سبز، ضربی، ترنج با سر، مجدول گرهی، لولادار. ۱۲۲ برگ، ۱۳ × ۲۱ سانتی متر، ۱۳ سطر، [ثبت ۸۶۴۲۷].

از جنبهٔ سبک‌شناسی در زمینهٔ مختصات زبانی و از لحاظ آوایی، در بسیاری از ابیات تسکین متحرک دیده میشود و در برخی از واژه‌ها برای رعایت وزن شعر، واژه‌ها را مخفف کرده و حرف یا حروفی از واژه‌ها را انداخته است. در سطح لغوی شاعر از به کار بردن واژه-ها و ترکیبات عربی ابایی نداشته تا جایی که ابیات عربی بسیاری استفاده کرده است. شعر دانیالی از سادگی و روانی برخوردار است و اشعار وی ساده و همه فهم هستند و کمتر با پیچیدگی و تکلّف همراه است. در سطح نحوی شاعر از افعال کهن بهره جسته است. از لحاظ جنبه‌های هنری و فنّی ، شعر دانیالی از جایگاه خوبی برخوردار است. شاعر دست توانایی در به کار بردن فنون بلاغی در اشعار خویش داشته و از صناعات بلاغی به نحو احسن بهره جسته است. شاعر به اعتبار قدرت تخیّل و ذهنی و خلق ایماژهای فراوان مهارت خاصی داشته است. با این که شاعر از آرایه‌های ادبی و صناعات بلاغی در حد اعتدال آن استفاده کرده، اما این موضوع باعث نشده که بر تکلّف شعر افزوده شود؛ یعنی اشعار وی در عین آراسته شدن به فنون بلاغی و زیباییهای هنری، کاملاً قابل فهم هستند. از این منظر انواع تشبیه با ۶/۴۱ درصد، تلمیح ۳/۷ درصد، انواع جناس ۲/۰۹ درصد ، تضاد۲/۰۲ درصد، کنایه ۰/۹۲ درصد، تکرار ۰/۸۶ درصد، استعاره ۰/۷۵ درصد، واج آرایی ۰/۶۹ درصد ، تشخیص ۰/۵۷ درصد، اعداد ۰/۵۲ درصد، ایهام ۰/۴۶ درصد، مجاز ۰/۴۶ درصد، موازنه ۰/۴ درصد، حسن تعلیل ۰/۳۴ درصد و ضرب المثل با ۰/۰۵ درصد آرایه های ادبی این مثنوی را به خود اختصاص داده‌اند.

**۱۱ ـ منابع و مآخذ**

- الفقریه «نسخه خطی»،دانیالی جهرمی، شهاب بن علاء بن علی ، کتابخانه ملک، ۴۲۱۴، تهران.
- المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی ،۱۳۴۵، تصحیح مدرس رضوی،چاپ چهاردهم، تهران: دانشگاه تهران.
- بحرالمعارف«نسخ خطی»، دانیالی جهرمی، شهاب بن علاء بن علی ،کتابخانه مجلس، ۹۳۷۱، تهران.

www.SID.ir

Archive of SID



- بدایع الافکار فی صنایعالاشعار، کاشفی، میرزا حسین،۱۳۳۱، ویراستهٔ میرجلال الدین کزازی، تهران: نشر مرکز.
- بدایع الصنایع، حسینی، امیر محمود،۱۳۲۴، تصحیح رحیم مسلمانیان قبادیانی، تهران : بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- بزرگان جهرم، اشراق ، کریم، ۱۳۵۱ ، تهران خیام
- بوسعیدی از دیار جنوب، نحوی، اکبر و رستم فتوت، ۱۳۸۵، آینه میراث، دورهٔ جدید سال ششم، شماره چهارم، صص۲۸۸ ـ ۲۶۵.
- بیان، شمیسا، سیروس،۱۳۷۸ ،چاپ دوم، تهران: فردوسی .
- تذکره نصرآبادی، نصرآبادی اصفهانی ، میرزا محمدطاهر ،۱۳۱۷ ، تصحیح وحید دستگردی، تهران : ارمغان.
- جواهرالادراج و زواهرالادراج« نسخه خطی»، دانیالی جهرمی، شهاب بن علاء بن علی، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۸۱۳۵، قم
- چشم انداز شعر معاصر ایران ، زرقانی، سید مهدی،۱۳۸۷ ، تهران: ثالث.
- خلد برین ( ایران در روزگار صفویان )، واله اصفهانی، محمد یوسف، ۱۳۷۲، به کوشش هاشم محدث، تهران : بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- دیوان حافظ (۱۳۸۰ )، حافظ شیرازی ، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران : صفی علیشاه
- ریاض الحکماء و حیاض الفضلاء ، افندی اصفهانی، میرزا عبدالله ، ۱۴۰۳ هجری ، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- سبک شناسی شعر ، شمیسا، سیروس ،۱۳۷۹، چاپ ششم، تهران: فردوس.
- شاعر آینه‌ها، شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۹، تهران : آگه
- شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی، دوانی، علی ، ۱۳۳۴، قم : حکمت.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، ۱۳۴۷ ، تهران : آگه
- فرهنگ اصطلاحات ادبی ، داد، سیما ،۱۳۸۵ ، چاپ سوم، تهران: مروارید
- فرهنگ لغت دهخدا، دهخدا، علی اکبر،۱۳۷۳ ،۱۶ج ، تهران : امیرکبیر.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی ، همایی، جلال الدین،۱۳۳۴ ، تهران : توس .
- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس ،۱۳۷۳ ، چاپ دهم، تهران: فردوس.
مصباح السالکین«نسخ خطی»، دانیالی جهرمی، شهاب بن علاء بن علی، کتابخانه آستان قدس رضوی، ۲۳۰۲۲، مشهد
- معالم‌البلاغه ، رجایی، محمد خلیل،۱۳۳۲ ، شیراز : انتشارات دانشگاه شیراز .
- موسیقی در ادبیات، طهماسبی، طغرل، ۱۳۸۰، تهران: رهام

www.SID.ir

Archive of SID



- موسیقی شعر، شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۶، تهران : آگه
- نصایح دانیالیه«نسخه خطی»، دانیالی جهرمی، شهاب بن علاء بن علی، کتابخانه مجلس، ۹۳۷۱، تهران.
- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۸، چاپ سوم، تهران: فردوسی.

www.SID.ir